



برتری ۲ درصدی هریس

بر اساس نظرسنجی امرسون، کامالا هریس دموکرات با دو امتیاز از دونالد ترامپ جمهوری خواه پیشی گرفته و در مجموع ۴۹ درصد از آرای احتمالی در انتخابات ۲۰۲۴ را به دست می آورد. نظرسنجی ملی توسط کالج امرسون نشان داد که دونالد ترامپ از حمایت ۴۷ درصد آمریکایی های رای دهنده برخوردار است. این نظرسنجی روز پنجشنبه نشان داد که از ۴ درصد رای دهندگان نامشخص، سه درصد «بلاتکلیف» و یک درصد «می خواهند به شخص دیگری رای دهند.» در حالی که کامالا هریس ۵۹ ساله و ترامپ ۷۸ ساله تنها دو رقیب اصلی احزاب در انتخابات هستند، سه رقیب دیگر برای رقابت در کاخ سفید ثبت نام کرده اند - «جیل استاین»، یک فعال و پزشک ۷۴ ساله؛ «کرنل وست»، یک فعال و دانشگاهی ۷۰ ساله و «جیس الیور»، یک مدیر فروش ۳۹ ساله. رابرت اف کندی جونیور، فرزند خانواده مشهور کندی هم در ماه اوت از رقابت کنار رفت و در عوض از ترامپ حمایت کرد.



تغییر در اوکراین اهمیتی ندارد

وزیر امور خارجه روسیه تاکید کرد، تغییرات اخیر در مقام های دولت اوکراین چندانی اهمیتی ندارند چون ولودیمیر زلنسکی همچنان قصدی برای انجام مذاکرات صادقانه ندارد. در روزهای گذشته موجی از تغییرات گسترده در میان مقام های دولت اوکراین صورت گرفت که باعث شد بسیاری از وزرا و معاونان نخست وزیر خارج شده و پست های خود را تغییر دهند. شخص ترین این تغییرات استعفای «دیمیتر کوبلوا»، وزیر خارجه سابق و جانشین شدن «آندری سیهوما» به توصیه زلنسکی به عنوان وزیر امور خارجه جدید بود. «سرگئی لاوروف»، وزیر امور خارجه روسیه در مصاحبه ای تاکید کرد تغییرات اخیر در میان مقام های اوکراین چندان از نظر او اهمیتی ندارند و او انتظار چندانی از کابینه جدید کی یف ندارد. لاوروف در ادامه این مصاحبه تاکید کرد، «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس جمهور اوکراین همچنان حاضر به انجام مذاکرات صادقانه نیست.



شرط عادی سازی

وزیر خارجه ایالات متحده گفت، در مدت باقی مانده از دولت کنونی آمریکا، عادی سازی روابط میان تل آویو و ریاض ممکن است، اما آتش بس در غزه و راهکار دودولتی از شروط آن هستند. «آنتونی بلینکن» وزیر امور خارجه آمریکا گفت، امضای توافق عادی سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و عربستان هنوز هم می تواند قبل از به پایان رسیدن دوره ریاست جمهوری «جو بایدن» انجام شود. با این حال، بلینکن تاکید کرد این عادی سازی مستلزم برقراری آتش بس در غزه و موافقت رژیم اشغالگر با یک مسیر مناسب به سوی تشکیل کشور مستقل فلسطین خواهد بود؛ امری که «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی آن را محلی است که پیش تر دو منبع ارشد کنگره ایالات متحده از دو حزب جمهوری خواه و دموکرات به روزنامه تایمز رژیم صهیونیستی گفته بودند پنجره دستیابی به توافق پیش از انتخابات نوامبر آمریکا بسته شده است.

رسمیت شناخت، مجبور شد مسیرش را تغییر دهد و اعلام کرد که ایالات متحده دیگر نمی تواند بخشی از روند صلح باشد. اما ترامپ تازه شروع کرده بود؛ تمام کمک ها به فلسطینی ها در داخل و خارج از سرزمین های اشغالی را قطع کرد؛ سیاست های آمریکا در مورد شهرک سازی ها را قانونی اعلام کرد؛ فرمول زمین در برابر صلح را لغو کرد. از قضا، اقدامات ضد فلسطینی ترامپ به طور ناخواسته به رهبری عباس کمک کرد و او در واکنش به توافق قرن ترامپ و الحاق رسمی کرانه باختری، به تهدید دیرینه اش مبنی بر قطع توافق عمل کرد. همچنین، توافقات ابراهیم، فلسطینی ها را مجبور کرد تا برای دفاع از مبارزات آزادی بخش خود که عملاً به حاشیه رفته بود گرد هم آیند. این توافقنامه نشان دهنده انحراف در سیاست خارجی برای بسیاری از کشورهای عربی بود که قبلاً معتقد بودند تنها در ازای امتیاز دادن به فلسطینیان روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل برقرار می کنند. چند روز پس از امضای توافقنامه ابراهیم، فتح و حماس گسترده ترین توافق آشتی خود را تا به امروز امضا کردند که برای اولین بار شامل برنامه ای برای انتخابات ریاست جمهوری و قانونگذاری بود.

عباس خود را در معرض نوسانات آونگی سیاست ایالات متحده و اسرائیل قرار داد

اگر روزی فرصتی برای عباس وجود داشت که میراثش را بازبینی کند، بایستی انتخابات سراسری بهار و تابستان ۲۰۲۱، برگزار می شد. اگرچه فتح و حماس تلاش کردند تا نتیجه را از قبل آماده کنند، اما شور و شوق واقعی مردم نسبت به چشم انداز احیای سیاست فلسطین پس از سال ها رکود، با ۳۶ لیست انتخاباتی و بیش از ۱۳۰۰ نامزد برای شرکت در اولین انتخابات ملی در ۱۵ سال گذشته وجود داشت. با این حال، در ژانویه ۲۰۲۱، جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، کارش را آغاز کرد و عباس بار دیگر در تلاش برای جلب رضایت دولت جدید در واشنگتن، نیازهای مردم اش را زیر پا گذاشت. نخست، به سرعت هماهنگی امنیتی با اسرائیل را از سر گرفت و بایدن نیز کمک هایش را به فلسطینی ها احیا کرد، اما حاضر نبود در راه حل دو کشوری سرمایه گذاری کند. با این وجود، با گرم شدن روابط با ایالات متحده، عباس، تنها سه هفته مانده به انتخابات فلسطین، آن را لغو کرد و خشم گسترده فلسطینی ها را برانگیخت. این تصمیم با سکوت واشنگتن مواجه شد. تصمیم عباس برای لغو انتخابات یکی از مهم ترین اقدامات دوران سیاسی اش بود. برگزاری رأی گیری می توانست به شکاف با حماس با وارد کردن این گروه به سیاست رسمی، پایان دهد و حتی از حمله ۷ اکتبر جلوگیری کند، زیرا حماس تا حد زیادی توانایی خود را برای عمل به عنوان یک متغیر آزاد از دست می داد. در عوض، عباس با لغو انتخابات، به مرگ سیاسی اش سرعت بخشید. چند هفته پس از کنار گذاشتن او از انتخابات، نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان، نزار بنات، فعال محبوب و منتقد عباس را به قتل رساندند که هفته ها اعتراضات را برانگیخت و بر فساد اخلاقی دولت عباس تاکید کرد. با شروع جنگ کنونی اسرائیل در غزه، عباس همچنان ناتوان باقی مانده است و حتی حکومت اش در کرانه باختری شروع به فروپاشی کرده است. در شرایطی که تشکیلات خودگردان فلسطین با کمبود نقدینگی در پرداخت حقوق، دست و پنجه نرم می کند، سرکوب خشونت آمیز اسرائیل علیه شورشیان مسلح در سراسر شمال کرانه باختری، زندگی مردم عادی فلسطین را دستخوش تغییر کرده و نیروهای امنیتی خودگردان را مجبور به ترک بخش هایی از شمال کرانه باختری کرده است.

مشگرم، بعدی

البته هر رهبر فلسطینی با محدودیت های قابل توجهی در قدرت مواجه است. به دلیل بی تابعیتی فلسطینی ها و تابعیت تشکیلات خودگردان از اسرائیل، هیچ رهبر فلسطینی نمی تواند بر نتایج به همان روشی که همتای اسرائیلی یا آمریکایی می تواند، تأثیر بگذارد. به رغم محدودیت هایی که عباس با آن روبه رو بوده، در مواقعی به موفقیت های قابل توجهی رسیده است. وی توانست در برابر تحریم های ایالات متحده و اسرائیل مقاومت کند تا در سال ۲۰۱۲ وضعیت دولت ناظر در سازمان ملل را برای فلسطین به دست آورد و در سال ۲۰۱۵ به دیوان بین المللی کیفری بیپوند. در واقع، این کارزار عباس برای ایجاد حمایت بین المللی از فلسطینی ها از طریق نهاد های چند جانبه بود که راه را برای دادگاه بین المللی هموار کرد؛ تحقیقات از اسرائیل به دلیل جنایت نسل کشی در سال جاری و درخواست حکم بازداشت برای رهبران اسرائیل و حماس. اما عباس تنها جهت بهبود جایگاه داخلی اش مایل بوده تا ایالات متحده و اسرائیل را به چالش بکشد و حاضر نبوده است که خطر خدمت به مردم اش را بپذیرد، به عنوان مثال با پایان دادن به شکاف با حماس، که به نوعی به تقسیم قدرت نیاز داشت.

معضل اصلی عباس همیشه این بوده که چگونه نیاز به توافق صلح با اسرائیل را با ضرورت وحدت ملی متعادل کند. آنچه عباس و رهبران اسرائیل و ایالات متحده نمی توانند درک کنند آن است که بدون آشتی ملی عملاً هیچ امیدی برای صلح پایدار با اسرائیل وجود ندارد. عباس با قربانی کردن انسجام سیاسی فلسطین و مشروعیت داخلی خود در قربانگاه روند صلح به رهبری ایالات متحده، لطمات بی اندازه ای به مبارزات فلسطینی وارد کرده است. اسرائیل شکاف فلسطین از طریق راهبرد تفرقه بینداز و حکومت کن، را تقویت کرد که حمله ۷ اکتبر نشان داد، کوتاه بینانه و مضر است.

اما عباس برای همیشه نخواهد بود و بسیار مهم است که فلسطینی ها منتظر جانشینی باشند که بتواند سرانجام بر تنش هایی که از ابتدا رهبری عباس افلاخ کرده است، غلبه کند. جانشین عباس باید این معضل را با همبستگی، از جمله ادغام حماس در ساختارهای سیاسی رسمی، مانند ساف، حل کند. ادراک این موضوع برای مقامات اسرائیلی و آمریکایی بسیار سخت خواهد بود، اما این گروه قرار نیست از بین برود و اجازه دادن (کنشگری) به آن به عنوان یک کارگزار آزاد حتی بدتر خواهد بود.



مود عباس

در سیاست داخلی اولویت داد و به هیچ کدام نرسید

هر چه ضعیف تر می شد، بیشتر احساس می کرد که مجبور به فاصله گرفتن از اسرائیل و روند صلح است، اما هر چه بیشتر از مقامات آمریکایی و اسرائیلی سرپیچی می کرد، با تحریم های بیشتری روبه رو و ضعیف تر می شد. در سال ۲۰۱۵، عباس با پیوستن به ICC محبوبیت مقطعی را به دست آورد. اما این گام همچنین نشان داد که وی مسیر بین المللی سازی را تا آنجا که می توانست پیش برده است، در همین حال، انتخاب مجدد بنیامین نتانیاهو، به هر شانس برای از سرگیری مذاکرات صلح پایان داد. عباس بار دیگر به بن بست رسید. دولت اجماعی، یک سال پس از تشکیل، توسط عباس منحل شد و بازسازی در منطقه را به تأخیر انداخت. اگرچه حماس با موافقت با تقسیم قدرت، تمایل اش را برای کنار گذاشتن نقش حاکمیتی خود نشان داده بود، عباس تمایلی برای به ارث بردن مشکلات اجتماعی، اقتصادی و امنیتی بی شمار غزه نداشت. علاوه بر این، حتی کمتر تمایلی به تقسیم قدرت با حماس در یک سازمان آزادی بخش فلسطینی توسعه یافته و اصلاح شده، داشت. در طول این مدت، محبوبیت عباس به پایین ترین حد خود رسید و تقریباً دو سوم فلسطینی ها گفتند که تر جیح می دهند وی استعفا دهند و گمانه زنی عمومی در مورد اینکه چه کسی می تواند جانشین رهبری سالخورده شود به دغدغه ای ملی تبدیل شد.

عباس، خودگامه

با افزایش خدشه در مشروعیت داخلی، عباس خودگامه تر و پارتوئیدتر شد؛ شروع به حمله به رقبای احتمالی و رقبای واقعی و خیالی کرد؛ فهرست دشمنان داخلی اش افزایش یافت که شامل محمد دحلان، رئیس سابق امنیت غزه، سلام فیاض، نخست وزیر سابق و باسر عابد ربو، یکی از اعضای ارشد ساف بود. عباس از سال ۲۰۰۷ بدون هیچ گونه نظارت پارلمانی یا نهادی، عملاً با فرمان حکومت می کرد؛ برای پوشانیدن خودکامگی حکومت اش، در سال ۲۰۱۶ یک دادگاه عالی قانون اساسی جدید ایجاد کرد. دو سال بعد، عباس برای اولین بار پس از ۲۲ سال، شورای ملی فلسطین را احیا کرد که مجدداً وی را به عنوان رئیس منصوب و مأموریتش را به عنوان رئیس تشکیلات خودگردان تجدید کرد و دیگر نیازی به برگزاری انتخابات نیز نداشت. اگرچه چنین اقداماتی توسط جامعه مدنی و گروه های مخالف محکوم شد اما عباس همچنان کارش را ادامه داد. تا پایان سال ۲۰۱۸، از اختیارات جدیدش برای انحلال رسمی شورای قانونگذاری تشکیلات خودگردان استفاده کرد. عباس که خود را کاملاً به کشتی در حال غرق شدن یک روند صلح به رهبری ایالات متحده متصل کرده بود، طی چندین سال آینده خود را در معرض نوسانات آونگی سیاست ایالات متحده و اسرائیل قرار داد. ابتدا سعی کرد خود را با دونالد ترامپ، خشونت کند، اما در اواخر سال ۲۰۱۷ زمانی که ترامپ اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل به

آشتی با حماس را امضا کرد که در آن خواستار تشکیل یک دولت اجماع ملی متشکل از تکنوکرات های غیر وابسته به هیچ جناحی و همچنین انتخابات ریاست جمهوری و قانونگذاری جدید بود؛ عباس در همان زمان، عضویت در سازمان ملل را نیز پیگیری کرد.

اگرچه در داخل کشور بسیار محبوب بود، اما هر دو اقدام با واکنش تنبیهی ایالات متحده و اسرائیل مواجه شد. در نتیجه، عباس مجبور شد به آرامی به عرصه آشتی با حماس قدم بگذارد و در عین حال آهسته آهسته درخواست اش در سازمان ملل را به زبان بیابورد. وی زمانی که در نوامبر ۲۰۱۲، مجمع عمومی سازمان ملل سرانجام به رسمیت شناختن فلسطین به عنوان یک کشور ناظر غیر عضو رأی داد، به اعتبار داخلی مورد نیاز دست یافت؛ وضیت جدید به فلسطینی ها اجازه می داد که به سایر نهاد های بین المللی مانند دادگاه کیفری بین المللی (ICC) بیپوندند.

با وجود این، عباس به رغم نا فرمانی های مقطعی، آنقدر به ایالات متحده متکی بود که نمی توانست به طور کامل از آن عقب نشینی کند. پایبندی وی به روند صلح به رهبری ایالات متحده به یک مسئولیت داخلی تبدیل شد زیرا اکثر فلسطینی ها آن را بسیار بی اثر می دانستند. عباس سعی کرد با دنبال کردن سه راه به طور همزمان این منافع متضاد را متعادل کند: آشتی داخلی، بین المللی کردن مناقشه اسرائیل و فلسطین از طریق سازمان ملل و دیگر مجامع چند جانبه، و مذاکرات تحت حمایت ایالات متحده با اسرائیل. اما عباس به جای همسو نمودن هر سه مسیر در راهبردی واحد و منسجم برای آزادی ملی، بین این اولویت ها متزلزل شد و در عین حال به هیچ یک کاملاً متعهد نشد. بنابراین، زمانی که مذاکرات تحت رهبری جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده، در مارس ۲۰۱۴ پس از تنها ۹ ماه به شکست انجامید (و قابل پیش بینی بود)، عباس با ورود به ۱۵ توافقنامه و سازمان بین المللی و امضای توافقنامه آشتی دیگری با حماس، مسیرش را تغییر داد.

انشعاب از حماس باعث شد که رهبری عباس برای همیشه دچار مشکل شود

اما عباس در تأثیرگذاری بر رویدادهای غزه ناتوان باقی ماند. وقوع یک جنگ ویرانگر دیگر در این سرزمین در سال ۲۰۱۴ که منجر به کشته شدن حدود ۲۲۰۰ فلسطینی و ۷۰ اسرائیلی شد، بار دیگر موقعیت داخلی عباس را تضعیف کرد. بسیاری از فلسطینی ها از تشکیلات خودگردان خشمگین بودند و تصور می کردند که این تشکیلات در کنار اسرائیل و ایالات متحده علیه حماس قرار گرفته است. برای فرونشاندن خشم، عباس در اوایل سال ۲۰۱۵ به دادگاه کیفری بین المللی پیوست. این تصمیم موجب تحریم های جدید اسرائیل و ایالات متحده علیه تشکیلات خودگردان شد. عباس اکنون در یک چرخه نزولی عمدتاً خود ساخته، گرفتار شده بود؛